

آمیولانس

همه‌جایی نوبت



پوریا عالمی

● سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: «پرونده تخلفات احمدی‌نژاد در قوقضاییه است و باید خارج از نوبت رسیدگی شود»

تا این را گفت، من سر چرخاندم ببینم کی‌ها نوبی نوبت هستند، که دیدم یکسری حروف الفبا نوی صف هستند. م. ر. گفت: نه قبول نیست، باید به ترتیب قد صف بکشیم و نوبت را رعایت کنیم.

تا گفت به ترتیب قد صف بکشیم، گفتند آمبولانس‌چی از همه درازتر است، باید سر صف.

گفتم: از بچگی یادم است دراز‌ها می‌رفتند ته صف، قدکوتاه‌ها می‌آمدند سر صف چرا من بیایم سر صف؟ آقای ناظم: چون دوره بلندپروازی است، پس اول دراز‌ها. ح. ب. گفت: نه قبول نیست، باید به ترتیب سن صف بکشیم و نوبت را رعایت کنیم.

تا گفت به ترتیب سن صف بکشیم، گفتند آمبولانس‌چی از همه کوچک‌تر است، باید سر صف. گفتم: از بچگی یادم است بزرگ‌تر‌ها را تنبیه می‌کردند که حساب کار بیاید دست کوچک‌تر‌ها. چرا من بیایم سر صف؟ ناظم گفت: چون دوره جوانگرایی است، پس اول جوان‌ها. س. م. گفت: نه قبول نیست، باید به ترتیب شایستگی صف بکشیم و نوبت را رعایت کنیم.

تا گفت به ترتیب شایستگی صف بکشیم، گفتند آمبولانس‌چی از همه شایسته‌تر است، باید سر صف. گفتم: از بچگی من هیچ‌وقت شایستگی نداشتم و هیچ‌جا استخدام نکرده و حتی ۵۰هزار تومان هم بهم وام ندادند چون گفتند خیلی ناشایستی. چرا من بیایم سر صف؟ ناظم: چون دوره شایسته‌سالاری است، پس اول شایسته‌ها. محمودرضا خاوری هم گفت: نه قبول نیست، باید به ترتیب دانه‌درشتی صف بکشیم و نوبت را رعایت کنیم.

تا گفت به ترتیب دانه‌درشتی صف بکشیم، گفتند آمبولانس‌چی از همه دانه‌درشت‌تر است، باید سر صف. گفتم: من دور کمرم از قطر گردن خیلی‌ها باریک‌تر است. بعد هم آقای خاوری، من بخواهم سلین دیون گوش کنم باید شش تافیلتر شکن استفاده کنم، آن‌وقت شما اختلاست را کردی رفتی بغلش، همسایه‌شان شدی. بعد من بیایم سر صف؟ اصلا کو صف؟

خاوری گفت: لطفا صف را بهمم نزنید.

آقای ناظم گفت: همه‌جا به نوبت.

گفتم: چرای نوبت هر کاری می‌خواستند کردند، ولی حالا باید به نوبت رسیدگی شوند؟

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۳ • ۲۴ رمضان ۱۴۳۵ • ۲۲ جولای ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۷۰ • ۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۱۳ • اذان مغرب ۳۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۲۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۰۵:۶۰

روزنارضا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



نه آنان کاملاً گر کنند، نه ما همچون بره



هنر سینما هم چون خلق آثار تازه از نظر فرهنگی ارزشمند است و دوطرف توافق می‌کنند تا بر پایه اصول مشترک در نگهداری و اصلاح فیلم‌های قدیمی همکاری کنند. دو طرف تلاش می‌کنند از طریق برنامه‌ریزی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوعات برنامه‌ریزی تولید، وجوه تکنیکی و تولید فیلم و مراحل پس از تولید برای هر دو شاخه مستند و داستانی به انتقال تجارب دوجانبه اقدام کنند، اینها بخش‌هایی از آن تفاهمنامه شش‌ماده‌ای است که میان خانه سینما و آکادمی علوم و هنرهای سینمایی امضا شده است. اینک که با حضور دولت تدبیر و امید بارقه‌امیدی برای زندگی بهتر ما ایرانیان سوسو می‌زند، شایسته است تا دستگاه فرهنگی دولت با همراهی دستگاه فہیم دیپلماسی سیاسی ایران، زمینه را برای اجرایی‌شدن آن تفاهمنامه (جامعه‌اصناف سینمای ایران و آکادمی علوم و هنرهای سینمایی) فراهم کند. بدون شک برکات این تعاملات و همکاری‌های مشترک میان ملل بر توسعه توانمندی سینمای ایران می‌افزاید و چشم‌انداز راسیتین و سزاولر سینمای ایران را برای ایفای نقش کانونی در منطقه خاورمیانه‌محقق می‌کند.

گزارش فردا

والیبال با چاشنی تصاویر تکراری

پخش زنده شروع می‌شد و مدام تصویرهایی تکرار می‌شدند تا جایی که دیگر دیوانه‌کننده می‌شد و مجبور بودیم کاتال را عوض کنیم. برای چه چنین اتفاقی باید بیفتد؟ کسی منکر حذف تصویر آنهایی که پوشش نامناسب دارند نیست، اما آیا تعداد آنها در ورزشگاه اینقدر زیاد است که هرچندتانبه یکبار باید تصویر را قطع کرد؟ اهالی رسانه و هنرمندانی که به نام خودشان در شبکه‌های اجتماعی صفحه دارند بخشی از این میزان سانسور اعمال‌شده را به‌خاطر نشان ندادن زنان حاضر در ورزشگاه می‌دانستند بطروسیان اما در جواب این فرضیه می‌گویند مگر تلویزیون می‌تواند بانشان ندادن زنان حاضر در ورزشگاه به مردم بقبولاند که در آن طرف دنیا هم زنان به ورزشگاه نمی‌روند؟ او بر نقش رسانه‌های امروز انگشت می‌گذارد که نمی‌گذارند چیزی در پرده باقی بماند و می‌گویند که متأسف است از اینکه زنان کشورش نمی‌توانند به ورزشگاه بروند و مشوق تیمی باشند که نماد کشورشان است. «امروز دور‌های نیست که اطلاعات در دنیا مخفی بماند و یک بازی قدیمی را چندساعات بعد، پخش کنند و بگویند زنده است. در مورد زنان هم همین‌طور. باید وقت آن رسیده باشد که با حمایت همه‌جانبه بر بخش‌های مختلف فرهنگی کشور، زمینه ورود زنان به ورزشگاه‌ها فراهم شود.»

به شکلی که شاهدش بودیم، بازی با اعصاب مخاطب بود، «وقتی که در بازی سرویس زده می‌شد، مخاطب استرسش شروع می‌شد که آیا نتیجه این توپ را خواهد دید یا نه. بارهاوبار‌ها حتی مجری هم نمی‌دانست که سرویس به‌نفع ایران در زمین خوابیده یا نه. این نوع پخش مخاطب را دچار استرس فوق‌العاده می‌کند و ممکن است حتی مثل خود من گاهی از صرافت دیدن بازی بیفتد.»
اصلاحی که تقریباً فوتبالی‌ها و والیبالی‌های تیم‌ملی را از تلویزیون پیگیری می‌کرده بدسلطگی در سانسور را اصلی‌ترین دلیل این اتفاق می‌داند اما رک به آن اشاره نمی‌کند: «مخاطب مدام می‌بیند که یک صحنه تکراری از تماشاجیان یا از بازی در حال پخش است. این نوع برخورد با مخاطب در بازی که با فاصله چندثانیه در حال پخش است می‌توانست اتفاق نیفتد، می‌شد به مخاطب احترام بیشتری گذاشت و اجازه داد به‌دور از حاشیه‌ها و استرس‌های حذف عجولانه تصاویر، والیبالی نگاه کند، مگر آدم‌هایی که در ورزشگاه حضور داشت‌اند، چقدر نامناسب بوده‌اند که باید این‌همه سانسور ببینیم؟»
ما‌ها‌یا بطروسیان اما نظر دیگری دارد. او هم مسابقات والیبال را دیده و حتی چندباری به نشانه اعتراضی کاتال را عوض کرده است: «همیشه اول بازی، بدون مشکل پخش می‌شد اما کم‌کم قطع کردن روند

وقتی یک جسم داغ در یخچال گذاشته می‌شود، چه اتفاقی برای آن شء می‌افتد؟ برای یافتن پاسخ نیازی به آزمایش فیزیکی نیست کافی است به پیوندگانی نگاه کرد که دو هفته رقابت‌های جام‌جهانی والیبال را مشتاقانه پیگیری می‌کردند اما بیش از آنکه جریان زنده بازی را ببینند، تصویرهای اسلوموشنی را برای دهمین و صدمین بار می‌دیدند.

این موضوعی است که حتی بازیگران صداوسیما و سینما را نیز به واکنش واداشت. برخی از این بازیگران به‌خاطر حضور در صداوسیما، حاضر به انعکاس نظرانتشان در این گزارش نشدند اما برخی هم با انتقاد از آنچه در طول بازی‌های والیبال از تلویزیون شاهدش بودند، بدسلطگی در مدیریت پخش را اصلی‌ترین دلیل نارضایتی تماشاگران تلویزیونی والیبال قلمداد کردند. در این میان اما فرهاد اصلاحی که از بازیگران مطرح صداوسیما و سینماست حتی پا را فراتر گذاشته و به «شرق» می‌گوید که پخش بازی‌های والیبال تیم‌ملی



سعید برآبادی



احمد مسجدجامعی

معاویه و عمروعاص دریافت‌ه بودند که از همین راه می‌توان نتیجه جنگ را دگرگون کرد، زیرا کسانی در سپاه مقابل آماده بودند تا صحنه نبرد را به پهلان‌های ترک کنند. در هر دو سوی عراق و شام، بخشی از سپاه از «قرآ» بودند، یعنی «حاملان و حافظان قرآن» و حيله عمروعاص در طرح فراز کردن قرآن بر نیزه‌ها و دعوت طرفین به حکمیت قرآن، بهانه مناسبی به دست کسانی داد که می‌دانستند حتی در صورت پیروزی طرفی از غنایم و منافع احتمالی نمی‌بینند. به همین سبب یکی از نخستین کسانی که امام را به پذیرش حکمیت خوانده، اشعث بن قیس بود؛ رهبر قبیله کنده و مرد پرنفوذ کوفه، که گرچه از قاریان و حافظان قرآن نبود، اما در برانگیختن آنان در ابراز مخالفت با امام(ع) نقش اساسی داشت.

سرتاجم به اصرار و پافشاری آنها بود که جنگ‌بی نتیجه روشنی پایان یفت. تاکید حکمیت‌خواهان در مخالفت با این‌عباس و اصرار بر انتخاب ابوموسی اشعری -که از قریش نبود و مساله بیعت او با امام مشکوک بود -تشان می‌دهد سرکردگان آنها این جنگ را بیشتر از چشم منافع قبیلگی می‌نگریستند. شمار بسیاری از حکمیت‌خواهان آندکی پس از متارکه جنگ دریافتند به راه خطا رفته‌اند، اما به‌جای آنکه باز به صفوف سپاه امام بازگردند و بنیاد آن حضرت در آغاز دوباره جنگ با معاویه پاسخ مثبت دهند، از آن حضرت می‌خواستند «توبه» کند، زیرا از نظر آنان پذیرش هر نوع حکمیت غیرخدا به معنای «کفر» بود و هر کس را که جز این می‌اندیشید کافر می‌خواندند.

از این منظر می‌توان آنها را نخستین گروه «تکفیری» خواند. تکفیری‌ها اهل مذاکره نبودند و اگر قرار بود از این طریق به راه راست بازگردند، امام و فرستادگان ایشان کوشش بسیار به کار بردند. بنابر روایتی، وقتی امام علی بر سر منبر کوفه با ایشان مباحثه می‌کرد، یکی از ایشان انگشت در گوش کرده و دهان گشوده بود. و این نشانه‌ای از همه تکفیری‌هاست -و پیوسته این آیه از قرآن کریم را

بافریاد تکرار می‌کرد:

«وَلَقَدْ أَوْحَى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ أَنْ لَنْ أَرْضَكَ لَيُخْطِئَنَّ عَمَلُكَ» که به‌نحوی پذیرش سلیقه امام در اسلام هم در آن بود و امام با آیه دیگری از قرآن پاسخ فرمود: «فَأَسْبِغْزِنْ وَغَدَ اللَّهُ حَقَّ وَلَا يَسْتَحْشَقَنَّ الَّذِينَ لَا يَوْفُونَ».

مدتی پیش از جنگ نهروان، خوارج در جایی بیرون

پایان

مواجهه امام علی(ع) با اولین حرکت‌های تکفیری

کوفه اردو زنده به نوشته‌ست طبری، فرزند یکی از اصحاب پیامبر(ص)، عبدالله بن خُتّاب، با همسر باردارش، از آنجا می‌گذشت. خوارج راه را بر او بستند و درباره حوادث گذشته و اشخاص از او چیزهایی پرسیدند. در این میان، یکی از ایشان از خرمایی که زیر درخت نخلی ریخته بود، در دهان گذاشت و دیگران او را سخت شماتت کردند که چرا ملل حرام خورده است و او را وادار کردند تا خرما را از دهان بیرون اندازد! عبدالله با دیدن نمونه‌هایی از این دست امیدوار شد که با جماعتی متدین روبه‌روست، اما هنوز مدت چنانی نگذشته بود که او را بر لب نهر سر بریدند و خون او در آب جاری شد. سپس سراغ همسر باردارش که نزدیک وضع حمل بود، رفتند. هر چه این زن آنان را به رعایت تقوا خواند هیچ سودی نداشت و سرانجام شکم او را هم پاره کردند. این نمونه را می‌توان نخستین رفتارهای گروه‌های تکفیری در تاریخ اسلام دانست.

این ماجرا نشان می‌دهد خوارج ترکیبی از جماعتی متعصب و راهزن و لالایی بودند و بسیاری از ایشان بر خلاف آنچه‌شان می‌داند، به هیچ‌وجه فدای پروای دین و اخلاق و انسلیات نباشته و نام اسلام را به سرعت برده بودند. آنها از سوی دیگر، با این قتل در واقع برای امام علی(ع) پیام جنگ فرستادند. با وقوع چنین جنایتی بود که امام بر جنگ با ایشان عزم کرد. خوارج گرچه با معاویه هم سر جنگ داشتند، اما کینه آنها با امام علی(ع) بیشتر بود، زیرا در نبرد با شخصیتی چون امیرالمومنین(ع) که خود آنها بارها به مراتب تقوی و سوابق بلند ایشان واقف و معترف بودند، از هر حیث بی‌سلاح‌تر بودند و از پاسخ به آن حضرت می‌گریختند. قطعاً برخی از اعضای خوارج از پشتیبانی کسانی از شیوخ کوفه برخوردار بوده‌اند. می‌دانیم که ابن‌ملجم با اشعث ارتباط داشت و گفته‌اند که اساساً در خانه او سکونت گزیده بود و در ماجرای رازآمیز شهادت امام به دست ابن‌ملجم، نقشی از اشعث‌بن قیس دیده می‌شود. هر چند که امام پس از ضربت‌خوردن تاکید داشتند با هیچ‌کس جز قاتل ایشان کاری نداشته باشند. بدین ترتیب، ملاحظه شد دوران خلافت علی امیرالمومنین علیه‌السلام کاملاً تحت‌تاثیر حوادث و جریان‌های ۳۰سال پیش از آن قرار داشت و عملاً برای ایشان مقدور نبود که الگوی حاکمیت زمان پیامبر را احیا کنند.